

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله و الصلوة و السلام على رسوله المصطفى و على آله و صحبه خير الورى و من تبعهم باحسان اتباع الهدى.

درس خارج حوزه. مبدأ. مسائل و مشاكل

محمد حسين بهرام

۱۴۰۰/۰۸/۱۶

فهرست مطالب

۱	مقدمه:
۲	محوریت فقه در آموزش حوزوی
۲	اقیانوس بند انگشتی
۳	درس خارج یا دوره خارج
۴	پیشینه درس خارج
۶	شیوه‌های تدریس درس خارج
۷	کیفیت درس خارج اکتونی
۸	زحمات آموزشی طلبه
۸	مطرفه طرفه العینی بر حفره صد ساله
۹	خاطره ای از درس خارج صد سال پیش
۱۰	درس خارج زمینه ریاست و مرجعیت
۱۰	انگیزه‌های تدریس سطح عالی و خارج
۱۲	مسائل و مشاكل درس خارج
۱۲	۱. تكثر بی‌رویه طلبه و استاد محوری:
۱۳	۲. افت علمی و عقب ماندگی:
۱۴	۳. تحصیل مادام العمر:
۱۴	۴. تمرکز بر بخشی از علوم دینی:
۱۵	حوزه علمیه نجف و اشکالات تدریس
۱۵	۱- فقدان مدیریت و مسئول اجرا:
۱۵	۲- نبود استادان شایسته:
۱۵	۳- بحث‌های بی‌سود و ثمر:
۱۵	۴- وارد کردن مسائل کلامی در علم اصول.
۱۵	۵- فرضیه‌سازی و مسأله تراشی:
۱۶	۶- بی‌اعتنایی به علم حدیث و تصحیح اسانید با اکتفا به آنچه گذشتگان کرده‌اند.
۱۶	۷- ندانستن زبان عربی و ویژگی‌ها و دقایق آن، خصوصا کسانی که غیر عرب‌اند.
۱۶	نقص‌های جدی در برنامه حوزه
۱۶	فهرست منابع:

مقدمه:

شاید جای این سوال هست: « پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که در ظرف ۲۳ سال اصول و فروع و عقاید و اخلاق به تمام شعبها و دقایقها بیان نمود و شاگردها نیز خوب فهمیده بودند. [چرا] ما عمرها باید در اصول فقط بمانیم و به جایی نرسیم؟! » .

تأملی در سنّ و سال طلاب و دانش‌آموزان حوزه و بخصوص حوزه‌های بزرگی مانند حوزه علمیه قم و از این جمع، حاضران و فراگیران دروس خارج، واقعیت و حقیقت این سوال را به ما اثبات می‌کند. صدها درس خارج خوانی که عمری در خواندن اصول‌اند و همچنان مقلد و اصول‌ندان و حاصل سال‌ها درس خارج خوانی‌شان تحریرات درهم و برهم و تقریرات نامنظمی که اکثر آنها نه در بالای منبر به کارشان می‌آید و نه در محراب مسجد و نه در بازار معامله و نه هم نشر کتاب و مجله؛ بگذریم از محافل علمی و سر صنف درسی مدارس و دانشگاه‌ها و امثال آن و محصول آن عنوان طلبه درس خارج! درس خارج از مراحل درسی یا به عبارت بهتر، شیوه تعلیمی در حوزه‌های علمیه درس خارج است. و از آن به درس خارج و دوره خارج هر دو یاد می‌شود. معمولاً طلبه پس از طی کردن راه طولانی یادگیری علوم مقدماتی ادبیات عرب و خواندن کتاب‌های مطول و مفصلی در علم فقه و اصول فقه، وارد این مرحله طولانی‌تر درسی می‌شوند. هر چند در کنار ادبیات و فقه و اصول، علمی مانند منطق، تفسیر، حدیث، عقیده، فلسفه، اخلاق و ... نیز در نظام درسی حوزوی امروزی دیده می‌شود؛ اما عمده‌ترین درس‌ها همان دو درس فقه و اصول فقه است تا جائی که جز آنها را با عنوان دروس جنبی یا فرعی یاد می‌کنند. در واقع این دو درس/علم(فقه و اصول) بیشترین زمان تحصیل و هم بهترین دوران عمر طلبه را به خود اختصاص می‌دهد که نسبت به دیگر علوم اولویت و اصالت و به شدت موضوعیت یافته است. علم فقه به عنوان علم محوری در تعلیمات حوزوی پیشینه هزار ساله در کارنامه آموزشی- پژوهشی حوزه‌های علمیه دارد و شاید به همان طول و تفصیل نیز نارسایی و نقص.

در نظام درسی حوزه‌های علمیه جامعه شیعی، اغلب مدارس به طور سنتی به پیش میرانند و برنامه می‌گذارند. پیش رفتنی که هر روز طلبه را از مسائل و موضوعات جاری جامعه‌اش دورتر می‌کند. نه کم شماراند طلابی که یک عمر در حوزه میزیند و مادام العمر مشغول تحصیل و تعلّم فقه و اصول و تفکر و تحلیل مسائل و موضوعاتی که بارها و قرن‌ها حلّ و فصل و تشریح و تثبیت شده است و دل به این خوش دارند که دوره چندم درس خارج فلان کس شرکت می‌کنند... کمترین آسیب این نوع تدریس و تدرّس‌ها با نگاه صرفاً مادی و مالی؛ بالاترین آمار و بیشترین رقم مصرف بیت المال و سهم امام است که برون داد و برآیند آن حتی یک سیاهه صد صفحه‌ای علمی و کار بردی از هر طلبه و شرکت‌کننده در درس نیست! این نوشتار کوتاه بر آن است تا این موضوع را کاویده و با تمرکز بر درس خارج، علّت و منشأ مشکلات موجوده و برخی مسائل مرتبط با آن را از نظرگاه بزرگان دین و اندیشه به نقد و تحلیل گیرد و با تکیه بر شواهد و مستندات از متون و ستون این درس‌ها گوشه‌ای از مصاعب و مصائب تعلیمی طلبه امروز را بیان کند. تأکیداً عرض می‌شود موضوع، درس‌های خارج و اصول رائج و جاری است و مورد مطالعه، طلبه و تقریرات و تحریرات موجود با آثار و نتایج بدست داده بیرونی؛ نه صرفاً بحث انتزاعی و فرضیات ذهنی- تخیلی یا ایده آل‌های آنچنانی!

۱ - آقا نجفی قوچانی، سیاحت شرق، موسسه چاپ و انتشارات حدیث، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۱۸.

محوریت فقه در آموزش حوزوی

در هر نظام تعلیمی مثلث استاد، شاگرد و کتاب، پایه اساسی و فلسفه وجودی آن به حساب می‌آید. کتاب، نقش واسطه و پُل ارتباط و کانال انتقال معلومات از استاد به شاگرد بوده و در همه مدارس و مراکز آموزشی و شاخه‌های مختلف علوم، جزء مواد اولیه درسی است.

اهمیت این ماده ممد، به حدی است که تمامی دولت‌ها وزارت و ریاست مخصوص تألیف و تدوین کتاب‌های درسی دارند و از تعلیمات ابتدایی گرفته تا مراحل و درجات عالی و فوق عالی، برای دانش‌آموز یا دانشجو و طلبه کتاب‌های خاصی تهیه می‌شود و حد اقل سرفصل‌های درسی (در مقاطع عالی) مشخص شده و مرتباً پس از گذر مدت زمانی توسط متخصصین، مورد اصلاح و بازبینی قرار می‌گیرد. در حوزه علمیه اما با تأسف باید گفت که در خلال خیل عظیم و سواد اعظم سیاهه‌ها و با زمینه هزار ساله تأسیس حوزه و عقبه تعلیم و تدریس علم فقه با آنکه محوریت و اولویت تدریس و تعلیم را دارد؛ جز تعدادی کمتر از انگشتان یک دست؛ کتاب درسی فقهی اصلاً وجود ندارد و کتاب‌های خاص درسی هم که مثلاً نوشته شده مانند آموزش فقه فلاح‌زاده و دروس تمهیدیه ایروانی، برای نوآموزان و به اصطلاح سال اولی‌های این علم است و می‌توان گفت که اینها نیز فاقد معیارات لازم کتاب درسی اند. چنان که حضرت آیت الله محسنی فرموده اند: "عجیب است که برای تدریس و درس خواندن در حوزه‌ها در هیچ علمی کتابی نوشته نشده است، کتب درسی محصلین بدون کدام معیار مشخصی بطور اتفاقی از میان کتب مؤلفه مورد بحث و درس قرار گرفته و مشهور شده است و لذا غالب آنها با اینکه کتب مفیدی بوده‌اند ولی از نظر درسی خالی از عیب نبوده‌اند و بلا شک باعث ضیاع پاره‌ای از عمر و بردن رنج بیشتر افاده و استفاده‌کنندگان شده‌اند."^۲

هرچند در علم اصول، وضعیت کمی بهتر می‌نماید و کتاب‌های درسی متعددی مانند حلقات شهید صدر، کتابت و تألیف شده است ولی فضای عمومی حوزه‌ها هم چنان پر از حال و هوای چندین قرن قبل است و اغلب کتاب‌ها تألیفات علمای سده‌های پیشتر از پیشین و هم مسائل مورد نقد و بررسی حتی در درس‌های خارج مسائل و موضوعاتی این چنین! باری؛ چنین نقیصه‌ای در چنان نهادی با چنان نام و نشانی، خود نشان‌گر نا به سامانی‌های مهم، عمیق و مزمنی است.

اقیانوس بند انگشتی

از طرف دیگر، ملاحظه کتب و موسوعات علمی و تکثر عددی و عنوانی کتب مدوّن و مطبوع در علم فقه و موضوعات فقهی نسبت به سائر علوم اسلامی نشان می‌دهد که علمای شیعی امامی [حد اقل] بیش از هر علم دیگر مرتبط به معارف اسلامی به علم فقه پرداخته‌اند و آن را پالش و پرورش داده‌اند. از عناوین مختلف کتبی که مستقیماً در مورد فقه نوشته شده است اگر بگذریم، فقط و فقط کتاب‌هایی که با عنوان شرح و تعلیقه بر یک کتاب فقهی مانند شرائع الاسلام محقق حلی (متوفی ۶۷۶ه) تألیف و تحریر شده است به بیش از صد کتاب می‌رسد: «و قد تعدت تلك الشروح و الحواشی المائۀ»^۳ طبعاً علم اصول هم درجه دوم بعد از آن را دارد و بلکه می‌توان گفت؛ اصول نیز در این جهت، موازی فقه بوده و برابر آن کش و قوس آن چنانی یافته است و این خود چیز عجیب و غریب دیگری است که مصداق اقیانوس بند انگشتی (به عمق یک سانتی‌متر) را در ذهن تداعی می‌کند.

^۲ محسنی، محمد آصف، نظریات سیاسی، علمی، اخلاقی و اجتماعی، [بی نا] - [بی جا] چاپ اول، [بی تا]، ص ۱۰۴.

^۳ - صیمری، مفلح بن حسن (حسین)، غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام، دار الهادی، بیروت - لبنان، اول، ۱۴۲۰ هـ، ج ۱، ص ۶.

آیا بهتر نیست که به جای نوشتن صد شرح بر یک کتاب، ده تا کتاب در موضوعات دیگر نوشت؟ چرا عوض طرح ۱۸ احتمال در عبارت حدیثی چند کلمه‌ای [لَا سَهْوٌ فِي سَهْوٍ]^۴ به شرح ۱۷ حدیث دیگر نپردازیم؟ و آیا ارجاع و تفسیر ۲۰ آیه از قرآن کریم بهتر است یا خلق احتمالات خیالی و دور از ذهن نیف و عشرون در یک آیه؟ تمرکز بر فقه و اصول در حوزه و به عبارتی توأم آنها تنها در مراحل ابتدایی و متوسطه نیست که در مراحل عالی مانند درس خارج نیز چنین است و اصولاً یکی از ممیزات درس خارج به گفته «حب الله» همین است: "إنها تشتهر في مجال دراسات الفقه من ناحية وأصول الفقه من ناحية أخرى، وقلّما نجد مرحلة البحث الخارج - بشكلها المتعارف - في سائر العلوم، كالقرآنيات والتاريخ والحديث والرجال والفلسفة والكلام"^۵

درس خارج یا دوره خارج

گفته می‌شود که «درس خارج، عالی‌ترین مقطع دروس حوزه معادل دوره دکتری در دانشگاه است»^۶ در این دوره درسی «شیوه تحصیل عوض می‌شود، استاد موضوع بحث را از منابع مختلف تحقیق می‌کند و به بررسی و نقد آرای عالمان دیگر در همان موضوع می‌پردازد، درس، خارج از متن آموزشی معین عرضه می‌شود به همین جهت به آن درس خارج می‌گویند. طلبه موظف است پس از مراجعه به آثار عالمان گذشته، استنباط مستقل خود را در مقایسه با پژوهش دیگران به بوته داوری بگذارد»^۷. مطلوب از این درس و متبادر از عنوان آن نیز ایجاب می‌کند که درس خارج، واقعا درس خارج از متن باشد و چنانکه بعدا خواهد آمد فلسفه ایجاد آن نیز همین بوده است اما امروزه در یک انحراف ۱۸۰ درجه‌ای از اصل تأسیس و تکوّن خود بنا به توجیهاتی به متن روی آورده و این چنین معمول شده است: "معمولا متن درسی خاصی ندارد. ولی برای نظم بخشیدن به مطالب، مباحث براساس کفایه الاصول در اصول فقه و جواهر الکلام، تحریر الوسیله و عروه الوثقی در فقه طرح می‌شود"^۸.

آقای احمد مبلغی گفته است: «درس خارج تلاشی است شامل بعدی از آموزش به علاوه بعدی از پژوهش. آموزشی معطوف به ذکر اقوال یا مرور آرا یا القا و انتقال متون به شاگرد نیست بلکه مقصود، آموزش منهج و روش اجتهاد، چگونگی استفاده از منابع، چینش و ترتیب ادله، چگونگی برخورد با آرا و اقوال و استفاده از آن‌ها و قرار دادن آن‌ها در مسیر استنباط. در کنار آن یک پژوهش لطیف، دقیق و ظریف از سوی استاد و شاگرد به فراخور دانش‌شان به طوریکه شاگرد حقیقتا می‌خواهد اجتهاد انجام دهد».^۹ اما آیا واقعا همه دروس و طلبه خارج چنین هستند؟

^۴ - دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، أحكام الخلل فی الصلاة، نشر کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ ق، ص ۱۰۳.

^۵ - حب الله، حیدر، الحوزة العلمية ومناهج الدراسات العليا، مطالعة عابرة فی أساليب التعلّم والتعليم وقواعد الإدارة التعليمية.

^۶ <https://hobbollah.com/articles>، تاریخ نشر: ۱۴/۵/۲۰۱۴م، تاریخ مراجعه: ۲۱/۹/۱۸م.

^۷ - پای درس خارج، فصلنامه شهر قانون، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱، ص ۲۰.

^۸ - عالم زاده، محمد نوری، ماهیت درس خارج، رهنامه پژوهش، بهار ۱۳۹۰، شماره ۷، صص ۳۳-۳۴.

^۹ - رضایی، محمدعلی اصفهانی، شیوه‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه، مقالات فارسی، ج ۳۷، ص ۲، نرم افزار نور(مجموعه آثار دکتر محمد علی رضایی اصفهانی).

^۹ - مبلغی، احمد در مصاحبه با میثم واحدی، طلبه ها درس خارج را نمی شناسند، رهنامه پژوهش، شماره ۷، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۴.

آقای ابطحی در باره درس خارج می‌گوید که محور این درس فقه و اصول است و استاد و شاگرد «کار اصلی خود را در فقه و اصول قرار می‌دهند و کتاب خاصی مورد مطالعه و تدریس قرار نمی‌گیرد بلکه یک مسئله فقهی یا اصولی موضوع بحث قرار داده می‌شود»^{۱۰} و استاد نظرات مختلف را مورد بررسی و نقد و تحلیل قرار می‌دهد و نظر خاص خود را مطرح می‌سازد و برای اثبات آن دلیل می‌آورد و دلائل دیگران را رد می‌نماید و در اینجا است که شاگردان حق دارند در این بحث اظهار نظر کنند و اشکال کنند و در رد یا قبول نظر استاد و یا نظریه‌های دیگر آزادند. با طی این دوره، طالب علم به مرتبه اجتهاد می‌رسد و بعنوان یک، فقیه یا اصولی، صاحب‌نظر می‌گردد و حق دارد در مسائل اسلامی نظر بدهد و دیگران از نظر او پیروی کنند»^{۱۱}.

در قیاس درس خارج با دوره دکتری در دانشگاه‌ها، چند تفاوت عمده را نمی‌توان نادیده گرفت:

اول، تعداد دانشجویان یا طلبه که در «شلوغ‌ترین درس خارج حوزه [در مسجد اعظم قم] بیش از ۲۰۰۰ (دو هزار) طلبه شرکت می‌کنند». این تعداد، اختصاصی به دوران ما ندارد که میرزا محمد همدانی - یکی از شاگردان شیخ انصاری می‌نویسد: گمان می‌کنم، در مجلس درس او، سه هزار نفر یا بیش تر شرکت می‌کردند.^{۱۲}

دوم این که بنا به آمار سال ۱۳۹۰ تنها در چهار مرکز حوزوی در قم (مسجد اعظم، مدارس فیضیه/دارالشفاء/گلپایگانی و بروجردی(خان)) ۱۸۶ درس خارج در روز، برگزار می‌شود.

سوم آنکه جدیدترین کتاب محور درس خارج، بیش از ۳۰ سال از وفات نویسنده‌اش می‌گذرد.^{۱۳} چهارم آنکه در این درس دوره تحصیل نامعلوم است، سرفصل چندان مشخصی و سطح‌بندی هم وجود ندارد، خنده دارتر این که «در درس‌های خارج، کسی که سال اول وارد می‌شود، با کسی که پانزده سال است که درس خارج می‌خواند، یک جا و سر یک درس می‌نشیند»^{۱۴}. پنجم اینکه «جمع کثیری از طلاب حوزه از روی اجبار به آن تن می‌دهند در حالی که توجیهاات متعددی برای بی‌فایده بودن آن دارند»^{۱۵} ششم و هفتم هم نیز امتحان ورودی، امتحان میان درسی و پایان درسی و از این قبیل چیزهای دیگر...

پیشینه درس خارج

این درس اما از نظر تاریخی سنّ و سابقه چندان ندارد و از ابتداعات عصر شیخ انصاری رحمه الله است [کمتر از دو قرن]. گفته شده است که «آغاز تدریس خارج به ابتکار شریف العلماء (متوفی ۱۲۴۶ه) انجام شد. نخستین عالم شیعه که به گونه خارج تدریس کرد شریف العلماء آملی مازندرانی است و پیش از او رایج نبود. منشأ این شیوه او شیخ اعظم انصاری صاحب

^{۱۰} البته برای حفظ ترتیب بحث در مسائل، ترتیب یک کتاب ملاک قرار می‌گیرد مثلاً ترتیب کفایة الاصول یا ترتیب شرائع الاسلام و....

^{۱۱} - موحد ابطحی، حجت، آشنائی با حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ، حوزه علمیه اصفهان، اصفهان - ایران، ۱۳۶۵ ه.ش، ص ۲۹.

^{۱۲} موسوی تهرانی، رسول. مصحح رسول موسوی تهرانی. مقرر و محقق موسسه آیت الله العظمی بروجردی قدس سره، و جمعی از شاگردان حضرت استاد. نویسنده مرتضی بن محمدامین انصاری. ، ۱۳۸۳ ه.ش.، مجمع الفوائد فی شرح الفرائد، قم - ایران، مؤسسه آیت الله العظمی البروجردی، جلد: ۱، صفحه: ۸۸ (به نقل از: زندگانی و شخصیت شیخ انصاری، ص ۲۰۲).

^{۱۳} - پای درس خارج، فصلنامه شهر قانون، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱، ص ۲۱.

^{۱۴} - هادی زاده، آسیب‌شناسی دروس خارج، مصاحبه با امیر غلامی، رهنامه پژوهش (معاونت پژوهش حوزه های علمیه)، شماره ۷

^{۱۵} - شیرازی، سید رضا، ضرورت و ماهیت شناسی درس خارج و تقریرنویسی آن، مصباح الفقاهة، پیش شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۹۲.

مکاسب (متوفی ۵۱۲۸هـ) و سعید العلماء مازندرانی (بابلی، متوفی ۵۱۲۷۰هـ) بودند،^{۱۶} زیرا شیخ انصاری و سید العلماء که هم‌مباحثه و از شاگردان ممتاز و برجسته شریف العلماء بودند در درس شریف زیاد اشکال می‌کردند و شریف هم پاسخ می‌گفت. این اشکال و پاسخ از روی کتابی نبود، در نتیجه کم‌کم تدریس شریف العلماء که از روی کتاب معالم بود از میان رفت و از آن زمان به بعد عالمان درس را از خارج می‌گفتند و تقریر می‌کردند نه از روی کتاب. از آن پس در حوزه‌های علمیه امامیه پس از آنکه تلامیذ مراحل سطوح را می‌گذراندند، مجتهدان برای آن‌ها اصطلاحاً درس خارج تدریس می‌کردند. در درسهای خارج، علاوه بر متون علمی، از نظرات دیگر علما نیز استفاده می‌شد و آن‌گاه مطالب به‌طور مستقل از خارج مورد تحلیل و بررسی و نقد قرار می‌گرفت.^{۱۷} نویسنده کتاب روش‌شناسی اجتهاد نیز به همین مطلب اشاره کرده و گفته است: «شریف العلماء» از شاگردان شاگردان سید علی و سید محمد طباطبائی است. شریف العلماء مهم‌ترین و مشهورترین استاد شیخ انصاری است. برخی می‌گویند وی برای اولین بار درس خارج به شیوه امروزی را بنا گذاشت. تا قبل از او اساتید از روی یکی از کتب معروف مانند **معالم الأصول**، تدریس می‌کردند؛ اما بعد از وی این روش در دوره درس خارج از میان رفت و اساتید بدون این که مقید به متن کتابی خاص باشند، خود به تقریر مطالب اقدام کردند. می‌گویند علت این که او این شیوه درس گفتن را انتخاب کرد سؤالات مکرر شاگردانش از جمله شیخ انصاری است. پرسش‌های مکرر موجب می‌شد، کلاس مدت زیادی به پرسش و پاسخ بگذرد و از متن کتاب فاصله بگیرند. همین امر به مرور زمان باعث شد کتاب به صورت کلی از درس حذف شود.^{۱۸}

سوالی که در اینجا قابل طرح است این است که چند درصد از طلاب مانند شیخ و چه تعدادی از استادان مانند شریف العلماء؟ آیا طلبه‌ای که از مطالعه کتاب شیخ عاجز است و مجبوراً آن را در پیش استادی می‌خواند و خط به خط و کلمه به کلمه باید از استاد ترجمه و توضیح عبارت را بشنود و یاد بگیرد؛ در حد شیخ انصاری و نیازمند درس خارج آنچنانی است؟ آیا استادی که بدون خواندن شرح و شروحات، توان تدریس کتاب شیخ را ندارد، صلاحیت تدریس خارج را دارد؟ مگر نه آنکه نه شاگرد همسان آن شاگرد و نه استاد بسان آن استاد و نه هم درس چنان درس! و اکثر ادا در آوردن و تقلید کور کورانه کردن است؟ در آن درس خارج، شاگرد و سؤالات او محوریت داشتند و لی چیزی که در درس‌های خارج کنونی دیده می‌شود این هم نیست که شاگرد محور و سؤال محور باشد و کتابی در کار نباشد [شیوه نو و نهایی تدریس شریف العلماء و ظاهراً شیوه شیخ انصاری که رسائل و مکاسب را درس خارج ایشان می‌دانند] بلکه عقب‌گردی به کتاب محوری و استاد محوری است نه آنکه در پی حل مسئله و پاسخ به پرسش‌های علمی-فقهی باشد. به خوبی می‌توان حدس زد که سؤالات شیخ شاگرد شریف العلماء طبعاً سؤالاتی مربوط به موضوعات و مسائل مهم و مطرح آن روز بوده است ولی درس‌های خارج امروزی تقلید ناشیانه‌ای است از آن درس‌ها که جز تشابه اسمی، هیچ مشابهت و تمایز دیگر آن را ندارد. "بیشتر کتابهای متداول درسی که اکنون به عنوان متون آموزشی حوزه‌ها تلقی شده، اصولاً به عنوان متن آموزشی تدوین نشده است.

^{۱۶} . نخستین کسی که اباحت خارج را مانند خطیبان بر منبر مطرح کرد شریف العلماء بود و کرسی درس او را شیخ اعظم انصاری خریداری نمود. معروف است که شیخ انصاری به نجار گفت منبری برای درس آقا درست کند، در آن زمان چون سید محمد مجاهد در بین مردم خیلی معروف بود و هنوز شریف العلماء آن قدر معروفیت نداشت نجار گمان برد برای تدریس او می‌خواهد ولی شیخ به او گفت: مقصودم از آقا، شریف العلماء مازندرانی است. در حال منبر برای درس ساخته شد و شریف العلماء بر کرسی تدریس نشست.

^{۱۷} - جناتی، محمد ابراهیم، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، جلد: ۱، صفحه: ۳۱۲، امیر کبیر، تهران - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

^{۱۸} رحیمی، مجتبی، روش‌شناسی اجتهاد، جلد: ۲، صفحه: ۲۲۸، دار الفکر، قم - ایران، ۱۳۹۸ ه.ش.

به عنوان نمونه، کتاب کفایة الاصول مرحوم آخوند خراسانی (ره) و رسائل و مکاسب شیخ اعظم انصاری (ره) هرگز به عنوان متنی کلاسیک، برای تدریس در حوزه‌های دینی تدوین نشده است. کفایة الاصول، همان بحث خارج اصولی است که مرحوم آخوند در زمان تدریس خارج اصول، طرح نموده است و شاهد آن عبارتهای «ان قلت، قلت» و پرسش و پاسخهایی است که در آن به چشم می‌آید. و آن بحث‌ها با فراز و نشیبهایی که دارد، جمع‌آوری و خلاصه شده و با همه ابهامهای آن به چاپ رسیده است! رسائل و مکاسب نیز مجموعه یادداشتهای شیخ بزرگوار انصاری (ره) است که به منظور پیش‌نویس تدریس بحث خارج فقه و اصول، تحریر می‌داشته است. و معروف است که وقتی به شیخ انصاری (ره) گفته شد که بحثهای اصولی شما تحت عنوان «رسائل» چاپ شد، ایشان در پاسخ گفته است: «از این چیزها زیاد چاپ می‌شود».^{۱۹} بله! اگر چنین نمی‌بود ۲۰ هزار سوال در دستگاه قضای جمهوری اسلامی ایران که روزانه صدها درس خارج در گوشه و کنار آن برگزار است؛ بی‌پاسخ نمی‌ماند! ۲۰ اعلامیه‌های درس خارج آقایان با عناوینی مانند خارج لمعه، خارج مکاسب، خارج کفایه الخ در تابلو اعلانات مدارس شاهد بی‌زبان اما حیّ و حاضر... یا للعجب! و وامصیبتاه...^{۲۱}

به راستی این عجب و بلکه مصیبت نیست که استاد از بین بیش از صدها و بل هزار طلبه که به درس او حاضر می‌شود، فقط برای دو سه تن تدریس کند و خودش هم به این مطلب (و مصیبت) آگاه باشد و اقرار کند؟ [آیت الله خوانساری: زمانی که در نجف اشرف، خدمت مرحوم آیه الله خوئی درس خارج اصول می‌خواندیم، ایشان تصمیم داشتند یک درس خارج فقه نیز شروع کنند، ولی آن را مشروط کرده بودند به شرکت دو نفر از تلامذه خود و فرموده بودند: «اگر دو نفر در این درس حاضر شوند درس را آغاز می‌کنم»^{۲۲} این مسئله تقریباً در اغلب گویندگان درس خارج وجود دارد چنانکه از شیخ انصاری نقل شده است: [شیخ انصاری] "گاهی می‌فرمود: من درس را برای سه نفر می‌گویم. میرزای شیرازی، میرزای رشتی و شیخ حسن تهرانی نجم‌آبادی".^{۲۳} آقای محمد تقی اکبر نژاد بدون ذکر نام از زبان یکی از درس خارج گویان فعلی حوزه قم که بیش از هزار طلبه در درسش حاضر می‌شود حکایت می‌کرد که گفته است برای دو نفر درس می‌دهد... آیا حق نداریم که از این بزرگواران بپرسیم وقتی خودتان از حال و روز این مجموعه با خبرید و سرگردانی و علافی و زحمت بیهوده شرکت‌شان در درس‌تان را می‌دانید چرا به حال و روز آنان فکری نمی‌کنید و به ائتلاف باطل و بیهوده سرمایه عمر و فرصت آنان رضایت می‌دهید؟ این که چه منطقی پشت سر این وقت کشی و عمر سوزی است و چنین مدیریتی چه توجیه عقلی و شرعی دارد؛ الله عالم...

شیوه‌های تدریس درس خارج

آنچه در این بخش مهم است نه استقصای شیوه‌های درسی که استفسار شیوه تدریس فعلی است و تأکید بر این نکته که درس‌های خارج فعلی از جهات و جوانب مختلف از درس خارج اصلی و اولی، فرسنگ‌ها فاصله گرفته است و به

^{۱۹} جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه (جناتی)، صفحه: ۴۵۷، کیهان، تهران - ایران، ۱۳۷۴ ه.ش.

^{۲۰} - این عین گفته آقای رئیسی در حدود هشت سال قبل است که سمت سخنگوی قوه قضائیه را داشت: رئیسی، سید ابراهیم، سخنرانی در سومین همایش حقوقی سازمان بسیج حقوق دانان، تالار معصومیه استانداری قم، کد خبر: ۴۶۷۷۵۷۰، <https://www.yjc.ir/fa/news/4677570>، ۴۶۷۷۵۷۰، تاریخ انتشار: ۳۰ آذر ۱۳۹۲ - ۰۹:۰۹

^{۲۱} - رک: غروی، سید محمد، الحوزة العلمية فی النجف الاشرف، دارالأضواء، بیروت، چاپ اول، ۱۹۹۴ میلادی، صص ۲۵۷ - ۲۵۸.

^{۲۲} حسینی طهرانی، سید محمدصادق، نور مجرد، علامه طباطبایی - مشهد مقدس - ایران، چاپ: ۱، ۱۴۳۳ ه.ق، ج ۱، ص ۶۵.

^{۲۳} جناتی، محمد ابراهیم، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، جلد: ۱، صفحه: ۳۳۱، امیر کبیر، تهران - ایران، ۱۳۸۶ ه.ش.

بی‌راهه باطل دور می‌زند و آن هم متسلسل ... به گفته آقای اصفهانی از جهت شکل درس، درس‌های خارج متداول و مرسوم نجف و قم فعلی به سبک کلاسیک و استاد محور ارائه می‌شود. بر آن بیفزایید گفته قبلی‌اش را در مورد متن درس خارج و از جمله آن این نتیجه به دست می‌آید که دروس خارج فعلی متن محور و استاد محور است. سبک دیگری که ایشان ذکر می‌کنند سبک سامرای است: "۱- سبک سامرائی یا مکتب سامرا و یا روش شاگرد محوری این روش درس خارج میرزای شیرازی بزرگ رحمه الله است که بعداً در کربلا ادامه یافت، که متأسفانه اکنون در حوزه‌های علمیه به فراموشی سپرده است. در این شیوه میرزای بزرگ رحمه الله فرعی فقهی را مطرح می‌کرد و تمامی مطالب مربوط به آن را به کمک شاگردان و با بحث‌های طرفین مورد بررسی قرار می‌داد و حتی چیزی را به عنوان «اصول موضوعی» نمی‌پذیرفت. در این سبک شاگردان محور بحث هستند و استاد سخنران جلسه نیست، بلکه در پایان به جمع‌بندی نظریات و نتیجه‌گیری می‌پردازد. در این روش شروع درس مشخص بود، اما پایان آن روشن نبود و گاهی تا هفت ساعت ادامه می‌یافت.

۲- سبک کلاسیک (استاد محوری) (این روش متاخران حوزه نجف و قم است و امروزه متداول‌ترین روش تدریس در حوزه علمیه قم است. در این سبک، استاد یک فرع فقهی یا اصولی را مطرح می‌کند و اقوال و دلایل آن را بررسی می‌کند و در پایان نظر خویش را بیان می‌کند. در این شیوه استاد فعال است و مانند یک سخنران عمل می‌کند و شاگردان کمتر فعال هستند^{۲۴}

کیفیت درس خارج اکتونی

آقای احمد مبلغی از نداشتن تعریفی از درس خارج می‌گوید و این که این درس، طلاب را در فضای مه‌آلودی^{۲۵} وارد می‌کند که عمل در آن سلیقه‌ای است و پر از ابهام اقوال و آرای مختلف و از به ابتدال کشانده شدن این درس می‌گوید و هم همین تکثر اقوال و کتب و تعلیقه‌ها و شرح‌ها و شرح بر شرح‌ها را علت ایجاد رواج درس خارج می‌داند. علت دیگر هم به دنبال رأی جدید بودن و باز بودن باب اجتهاد در اندیشه شیعی است؛ «که گامی به پیش باشد و نسبت به آنچه هست و فراتر از آنچه هست علم را به پیش ببرد»^{۲۶} از دیدگاه ایشان «درس خارج به دو معنا باید فارغ از فضای درسی باشد؛ اول اینکه به قرائت متن نپردازد و دوم اینکه علم را از جایی که تا حال پیش رفته است جلوتر ببرد»^{۲۷}. به گفته ایشان «درس خارج در مواردی، نه همیشه، در حالی منعقد می‌شود که در نهایت نه خود استاد می‌فهمد که مطلب چیست و نه شاگرد می‌فهمد». «عملاً درس خارج به جای آنکه نقشی بیافریند، ضربه و ضرری را نیز متوجه می‌کند و به جای اینکه مشکلی را حل کند خودش به مشکل تبدیل شده است. واقعیت این است که درس خارج خورنده عمرها شده است در حالی که جایگاه بهترین احساس لذت‌های علمی و تحقیق علمی است»^{۲۸}.

۲۴ - رضایی، محمدعلی اصفهانی، شیوه‌های تحصیل و تدریس در حوزه‌های علمیه، مقالات فارسی، ج ۳۷، صص ۴ - ۵، نرم افزار نور(مجموعه آثار دکتر محمد علی رضایی اصفهانی).

۲۵ - تعبیر فضای مه‌آلود در مقاله سید رضا شیرازی نیز آمده است: شیرازی، سید رضا، ضرورت و ماهیت شناسی درس خارج و تقریرنویسی آن، مصباح الفقاهة، پیش شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۹۲.

۲۶ - میغلی، احمد در مصاحبه با میثم واحدی، طلبه‌ها درس خارج را نمی‌شناسند، رهنامه پژوهش، شماره ۷، بهار ۱۳۹۰، ص ۱۲ و ۱۳.

۲۷ - همان، ص ۱۴.

۲۸ - همان، همان صفحه.

به راستی؛ آیا مشکل نبود کتاب درسی علمی و معیاری در فقه و اصول از عوامل ایجاد تدریس به شیوه خارج نیست؟ پاسخ فعلی و عاجل نگارنده به این پرسش مثبت است و شاهد آن هم همین بحث‌ها و درس‌هایی که بیشتر خارج از فقه و اصول به معنی واقعی این دو علم است یعنی زوائد علم اصول و حواشی یا حشاوی علم فقه! و طرح مسائل به تقلید از کتب اصولی عامه هداهم الله...

زحمات آموزشی طلبه

واقع قضیه این است که زحمت کشی یک طلبه حوزوی، در تعلّم و آموزش و سعی و تلاش پرشور در مطالعه و کتاب خوانی به مراتب بیشتر از زحمات سائر محصلین و متعلمین است و از این راستا رهاوردهایی نیز دارند «در روش تحصیل طلاب؛ چند عامل وجود دارد که در دریافت درس و پیشرفت در درس بسیار مؤثر است:

یکی مطالعه دقیق و عمیق قبلی و به اصطلاح، پیش مطالعه. طلبه وقتی وارد جلسه درس می‌شود، کاملاً به درس مربوط وارد است و تمام جزئیات آن را از نظر گذرانیده، فقط اشکالات او را استاد باید برطرف نماید.

دیگری آزادی کامل اوست در اظهارنظر کردن درباره درس و اشکال وارد نمودن به درس و ایراد گرفتن به استاد، و این موضوع، مخصوصاً در درس خارج، مصداقی صحیح و کامل دارد، گاهی در جلسه درس، شاگردان با یکدیگر به بحث می‌پردازند و این مباحثات، معمولاً با صدای بلند انجام می‌شود. عامل سوّمی را هم می‌توان به دو عامل مزبور افزود و آن تبادل فکر یا مباحثه درس است؛ طلبّ معمولاً بعد از درس، هر دو نفر یا چند نفر، همان درس را با یکدیگر مورد بحث قرار می‌دهند و با کمک همدیگر اشکالاتشان را برطرف می‌سازند»^{۲۹} چنین همّت و جدّیت و جهد و زحمت کمتر در شاگردان دیگر نهادهایی آموزشی دیده می‌شود اما با تأسف که مشکلات ریشه‌ای در محتوا و منهج درسی، عامل علّت و عقامت این همه کوشش و جوشش است. اگر بخواهیم مطلب را از دید بزرگان و اندیشمندان حوزوی، توضیح داده و نقد و نظرات ایشان در این باب نقل کنیم، حتماً کلام به درازا می‌کشد؛ لکن از باب نمونه به برخی اشاره می‌شود:

طفره طرفه العینی بر حفره صد ساله

نبود کتاب درسی متناسب نیازمندی‌ها و برنامه‌ریزی شده، مشکل اساسی آموزش در حوزه هاست که منشأ و ریشه مشکلات متعدد دیگر شده است. از جمله آن که طلبه در سطح مضامین و متونی را می‌خواند که با دوره خارج هماهنگی ندارد و بلکه در دوره سطح نیز ناهماهنگ است. مثلاً نخست در اصول فقه مظفر مصلحت سلوکیه نقد می‌شود و بعد در رسائل دوباره اثبات! و در هر کتابی صرفاً همان کتاب محوریت دارد نه موضوع و علم مورد بحث. اما با رسیدن به مرحله عالی و دوره خارج، اتفاق دیگری می‌افتد که شهید صدر از آن تعبیر به طفره نموده است. طفره زورکی و پرش هوایی و یهویی اجباری طلبه برای پیمودن مسافتی که مسیر صد ساله تکاملی علم اصول بوده است. گویا این که از کسی بخواهند از پله اول، یکبارگی به پله صدم پا گذارد و مدارج و مراتب علمی که به طور طبیعی با تدریج و ترتیب طی می‌شود در یک طفره، طی کند: "فالطالب لکی يتسلل من كتب السطح إلى درس الخارج كأنه يكلف بطفرة، وبأن يقطع في لحظة مسافة لم يقطعها علم الاصول خلال

^{۲۹} فقیهی، علی اصغر، تاریخ مذهبی قم، بخش اول از تاریخ جامع قم، صفحه: ۲۰۵، آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، قم - ایران، ۱۳۷۸ ه.ش.

تطوره التدريجيّ إلّا في مائة عام^{۳۰}. مشکل این است که در درس خارج، استاد آراء و اصطلاحاتی را تدریس و تشریح می‌کند که در صد سال اخیر طرح و ترویج شده ولی طلبه از قبل نامی هم از آن نشنیده است.^{۳۱}

خاطره ای از درس خارج صد سال پیش

به مناسبت یا بی مناسبت بخشی از درد دل‌های طلبه‌ای را بخوانید که حدود صد سال پیش در باره درس‌های خارج خود نوشته است: «اما درس‌هایی بعضی اساتید که فعلا می‌رویم تو را به خدا جهت چیز فهمی است؟ فهمیدن، فرع شنیدن کلام استاد است. ماکه تا به حال غیر آن که مسأله در فلان بحث بود چیز دیگر نمی‌شنویم. به مجرد شروع استاد این قدر ردّ و ایراد و قال و قیل به صداهای خشن و زیر و بم از بالای منبر و پایین آن هم از صد الی صد و پنجاه نفر جمعیت به هم می‌خورد و تصادم می‌کرد محشر کبرا رخ می‌داد، حمام زنانه کدام است؟ یک روز یک طلبه از لُرهای بختیاری که واقعا مجسمه دیوی بود به آن صدای منکر، دست به بناگوش گذاشت به آن اندازه‌ای که قوت داشت در بلند نمودن صدای خود مشغول خواندن اشعاری لری به تمام آهنگ گردید که هیچ کس نفهمید إلا من که در جنب او نشسته بودم و آلا استاد و دیگران خیال می‌کردند که این هم یکی از فضلاست که ایراد به استاد دارد و یا به یکی از طلاب که طرفداری از استاد می‌کند و استاد هم از این قال و قیل و هنگامه غریب خوشش می‌آمد که مشغول جهاد فی سبیل الله هستیم نظیر لیلۃ الیهریر صفین که این هیاهند کم از آن هیاهو نیست. نهایت اردوی علی علیه السلام با مصادیق جهل می‌جنگید و ما با حقیقت جهالت می‌جنگیم و علی القاعده ثواب این جهاد باید بیشتر باشد... پس این طور درس‌ها که واقعا تئاتر است و تماشاگاه و نمایشگاه است نه درس، به دروغ چرا دل خوش کنیم؟»^{۳۲}...

ایشان در ادامه از درس خارج دیگری یاد می‌کنند که برای چیز فهمی است و طلبه‌ها در کار تقریرنویسی و تحریرات: «و درس آقای سید محمد باقر که مورد اهمیت است و همگی درس او را می‌نویسند و زحمت هم می‌کشند و غرض استاد و شاگرد هم چیز فهمی است آن هم این قدر مطول و مفصل است که سه مرتبه هر درسی را گوش می‌کنیم و باز هم فراموش می‌کنیم بس که وجوه عدیده بر مطلبی از کسی نقل می‌کند و بر هر وجهی ردهای متعددی می‌گوید. بعد از آن خودش عکس آن مطلب را یا همان مطلب را مدعی می‌شود و شش وجه دلیل می‌آورد و به هر دلیل چند توهم وارد می‌کند و رد می‌کند و در ردهای خود گاهی این قلت می‌زند و دو سه سطر و قلت می‌آورد شش سطر که تار پود این قلت را از هم می‌زند کما هو أوضح من أن یخفی علی ذی مسکة رجز می‌خواند. شاگردان به خون خود می‌غلطند که گذشته از مطلب فهمی، چطور این وجوه متسلسله را طوطی‌واری مرتب بنویسند و استاد رجز می‌خواند که بر فصول غالب شده و یا بر حاج میرزا حبیب الله رشتی که استادش بوده که درس آن مرحود را اگرچه ندیده بودیم، لکن شنیده‌ایم که دوره اصول بر حسب تدریس آن مرحوم ششصد سال طول می‌کشیده. حال تو را به خدا این طور درس‌ها به درد کسی می‌خورد؟ شاگرد و استاد علاوه بر عمر خدا دادی از که (چه کسی) پانصد سال قرض کند که دوره اصول را تمام کند؟

^{۳۰} صدر، محمدباقر، دروس فی علم الأصول؛ الحلقة الأولى و الثانية (مجمع الفكر الإسلامی)، مجمع الفكر الإسلامی - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۴۲۱ ه.ق، ج ۱، ص

۱۱۶.

^{۳۱} آل فقیه عاملی، ناجی طالب، دروس فی علم الأصول (آل فقیه عاملی، ناجی طالب)، دار إحياء التراث العربی - بیروت - ، چاپ: ۱، ۱۴۲۵ ه.ق، ج ۱، ص ۹.

^{۳۲} آقا نجفی قوجانی، سیاحت شرق، موسسه چاپ و انتشارات حدیث، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۱۶-۱۱۷.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که در ظرف ۲۳ سال اصول و فروع و عقاید و اخلاق به تمام شعبها و دقایقها بیان نمود و شاگردها نیز خوب فهمیده بودند. ما عمرها باید در اصول فقط بمانیم و به جایی نرسیم. آن تصنیفات و این هم تدریسات^{۳۳}»

درس خارج زمینه ریاست و مرجعیت

آنچه از شریف العلماء و شیخ انصاری گفته آمد، فلسفه اصلی تشکیل اولین درس خارج بوده است. اما در باب درسها و تدریسهای خارج این دوره و زمانه بیان شهید مطهری بسیار قابل توجه و به راستی که محل تأمل است [هرچند که کلیت ندارد]: «چنان که می‌دانیم حوزه تدریس خارج فقه و اصول، زمینه ریاست و مرجعیت است. ریاست و مرجعیت برای یک طلبه به معنی این است که یک مرتبه از صفر به لا نهایت برسد؛ زیرا یک نفر طلبه تا مرجع نشده است هیچ است و به رأی و عقیده او کوچکترین اعتنائی نمی‌شود و از نظر زندگی غالباً در تنگدستی بسر می‌برد؛ ولی همین که مرجع شد یک مرتبه رأی او مطاع می‌گردد و کسی در مقابل رأی او رأی ندارد؛ از نظر مالی نیز بدون حساب و کتاب، اختیار مطلق پیدا می‌کند»^{۳۴} فرمایش ایشان در این که تدریس خارج فقه و اصول زمینه ریاست و مرجعیت خواهی است از این ارتکاز عمومی نیز تأیید می‌شود که شلوغی درس خارج کسی، احیاناً دلیل اعلیّت تفقه او دانسته شده و در این باب از مرجع تقلیدی استفتاء می‌شود که «آیا شلوغی درس خارج یک مجتهد، دلیل اعلیّت او در استنباط احکام فقهی می‌تواند باشد؟»^{۳۵} چنان یادم هست که مرحوم مدرس افغانی در یکی از درس‌هایش (دروس صوتی ایشان از کتابهای مقدمات) فرمایشی به این مضمون دارد: کسی که عالم است مقدمات تدریس می‌کند و آن که بی‌سواد است خارج!

عده ای هم هستند که در خارج را بهانه و مستمسکی برای فرار از مسؤولیت‌های مهم تر قرار داده اند: "... البته خواهید گفت فضلالی ما درس و بحث دارند؛ بله، من هم می‌دانم؛ اما من می‌گویم که محض رضای خدا همان درس را تعطیل کنند و بیایند به مدت سه سال این کار را به‌عهده بگیرند. بنده بعد از رحلت امام (رضوان الله تعالی علیه) خیلی از این مسؤولیتهای مهم کشور را دوساله، سه‌ساله یعنی زمان‌دار به این و آن محول کرده‌ام. شما درس خارج می‌گویید و پنجاه نفر، صد نفر کمتر یا بیشتر هم شاگرد دارید؛ خیلی خوب، محض رضای خدا به مدت سه سال این درس را تعطیل کنید. اگر این درس تعطیل بشود، آیا در عالم ضایعه‌یی پدید خواهد آمد؟!«^{۳۶}

انگیزه‌های تدریس سطح عالی و خارج

از چشم دیدهای شخصی‌ام در حوزه این است که در مواردی، حضرت استاد با آنکه توان تدریس کتابهای شیخ و آخوند را ندارد، بخاطر شهرت و شخصیت تراشی هم اگر شده به این کتابها چون زالو چسبیده و حتی برای جلب و جذب شاگرد، جنگ و دعوا راه انداخته است و طلبه بیچاره را به دلخواه خود تعیین سطح کرده که درسش رونق یابد. در خود حوزه علمیه قم، کم نیستند درس‌هایی که شهریه ویژه دارند و طلبه محضاً للشهریه و مشکل اقتصادی در آن شرکت می‌کند. (من و یکی از دوستان، درس مکاسب به شرط شهریه در مدرسه گلپایگانی رفته‌ایم). حقیقت این است که

۳۳ - آقا نجفی قوجانی، سیاحت شرق، موسسه چاپ و انتشارات حدیث، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵، صص ۱۱۷-۱۱۸.

۳۴ - مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (۳۰ جلدی) نشر صدرا، چاپ هشتم، قم، ج ۱، ص ۳۱۶.

۳۵ - گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، استفتاءات (بهجت)، ۴ جلد، دفتر حضرت آیه الله بهجت، قم - ایران، اول، ۱۴۲۸ ه.ق، ج ۱، صص ۳۰-۳۱.

۳۶ خامنه ای، سید علی، بیانات در جمع علما و مدرسان و فضلالی حوزه علمیه قم، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه: ۱۱/۳۰)

انگیزه‌های ناسالم و اندیشه‌های ناراستین این چنانی مزید بر علت شده است و چه بسا کسی توهم کند که تدریس مقدمات، کسر شأن اوست و تدریس کفایه و خارج برایش موضوعیت دارد... «در قسمت درس و بحث هم، اگر هدف من سازندگی باشد، اگر هوس‌ها مرده باشند و هوای جمعیت و خودنمایی و تثبیت موقعیت نباشد، ناچار من فقط درسی را می‌گویم که استاد ندارد و باری را برمی‌دارم که بارکشی ندارد!

آخر، هدف من که هوس‌رانی و خودنمایی نیست، هدف جمعیت زیاد نیست، هدف سازندگی است. و چه بسا که از دوپست نفر هم یکی نماند و ساخته و پرداخته نشود؛ چون وقتی که مهمان زیاد شد پذیرایی مشکل می‌شود و چه بسا همه گرسنه بمانند. اما از چند استعداد آماده می‌توان افرادی کامل تهیه نمود و ساخت و پرداخت. پس باید به این استعدادها پرداخت و آنچه که از درس کم دارند از «امثله» گرفته تا به بالاتر عهده‌دار شد. اصولاً در همین دوره‌های پایین است که استعدادها احتیاج به مربی بیدار و آگاه و ساخته شده دارند، در این دوره‌ها است که نسناس‌ها فعالیت دارند و شیطان‌ها میدان‌داری می‌کنند و استعدادها در خطر هستند. پس باید به این دوره‌ها توجه زیاده‌تری داشت، نه اینکه اشتغال به این دوره‌ها را کسر شأن دانست. راستی اگر هدف، خدا و سازندگی و پیشبرد شناخت و آگاهی باشد، دیگر درس‌ها موضوعیت ندارد که «امثله» باشند یا سطح «کفایه» یا خارج؛ چون این درس‌ها از نظر اجر و پاداش فرق ندارند بلکه آنچه بر نفس سنگین‌تر باشد، پاداش زیاده‌تری دارد و آنکه لنگ‌تر باشد، در نزد خدا ارزش بالاتری دارد»^{۳۷}.

این مطایبه را از شهید مطهری نیز بشنوید که هرچند شوخی است ولی در اغلب موارد، عین راستی و حقیقت است و مؤید سخن پیش گفته از او که مرجعیت را چه مزایایی است. "زمانی که ما در قم بودیم این شوخی را بعضی طلبه‌ها می‌کردند. آن سال‌های اولی بود که به قم رفته بودیم. هنوز آقای بروجردی نیامده بودند و آقای حجت و آقای صدر و آقای خوانساری بودند. آنها مرجع خیلی تام و کامل نبودند و شهریه‌ای هم که می‌دادند شهریه کمی بود. قهراً یک ماه این آقا بیشتر می‌داد و ماه دیگر آن آقا. طلبه‌ها شوخی می‌کردند؛ این ماه که مثلاً آقای حجت بیشتر می‌داد این ماه آقای حجت اعلم است، آن ماه که آقای خوانساری بیشتر می‌داد می‌گفتند این ماه آقای خوانساری اعلم و عادل است، و طلبه‌ای می‌گفته هرکسی که به من پول بدهد من فقط پشت سر او نماز می‌خوانم و این نماز هم درست است و باطل نیست، چون تا به من پول می‌دهد اصلاً خود به خود اعتقاد این می‌شود که این عادل است و هر ماه که به من پول نمی‌دهد خود به خود اعتقاد این است که این فاسق است. بنابراین اگر کسی به من پول بدهد و من بروم به او اقتدا کنم نماز درست است، زیرا گفته‌اند نماز را پشت سر کسی بخوان که اعتقاد این است که او عادل است و او را عادل می‌دانی. من واقعاً هرکسی که به من پول می‌دهد فوراً اعتقاد این می‌شود که او عادل است"^{۳۸}. شهید مطهری این مفکوره را رد می‌کند و مسخره می‌خواند^{۳۹} ولی متأسفانه که ما گرفتار همین مسخرگی و مسخره بازی هستیم و برخی از درس خارج‌ها لازم و ملزوم چنین شهریه هاست... این جاده هم البته دو طرفه است: طلبه خارج دوست درس نفهم هم داریم؛ چنان که طلبه فهمیده مجبور به خواندن درس خارج. به قول آقای قرائتی: «چرا می‌گویند: درس خارج نخوانی ملاً نیستی؟ دو سه سال درس خارج رفتی، بدون نشاط!

۳۷- صفایی حائری، علی، روحانیت و حوزه: مشکلات و راهکارها، لیلۃ القدر - قم، چاپ: اول، ۱۳۹۱ ه.ش، صص ۱۹۰-۱۹۱.

۳۸- مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (۳۰ جلدی) نشر صدرا، چاپ هشتم، قم، ج ۱۵، ص ۹۵

۳۹- همان ج ۲۱، ص ۳۸۳.

بدترین عمر من آن دو سه سالی بود که عقیده نداشتیم و نشاط نداشتیم با زوری که حوزه نگویند: قرائتی بی سواد است، درس خارج خواندم به زور الکی نشستیم. بابا اگر تو مجتهد نمی شوی درس خارج نرو»^{۴۰}

مسائل و مشاغل درس خارج

۱. تکثر بی رویه طلبه و استاد محوری:

نخست تذکر لازم به خواننده عزیز اینکه بسیاری از مطالب این نوشته نقل قول مستقیم از فرمایشات بزرگان است و خصوصاً در این بخش که از خودمان هیچ تحلیلی لازم نیست اضافه کنیم و بسیاری از این بزرگان هم بالفعل استاد درس خارج اند، هر چند نویسنده در مجموع مسئولیت نقل و تأیید ضمنی اقوال را می پذیرد و منتظر نقد و نظر اهل تحقیق... «الآن در نظام عمومی آموزش دنیا، هر چه به سمت بالاتر برویم، تعداد دانش پژوه کمتر می شود. مثلاً ممکن است در دوره کارشناسی، سی نفر باشند، در دوره ارشد، ده نفر و در دوره دکترا، چهار، پنج نفر. چرا؟ چون منطق دارند. می گویند باید بتوانیم به این پنج نفر رسیدگی کنیم، چون عمدتاً در مقطع دکترا، کار پژوهشی است، یعنی آموزش بیست درصد و پژوهش هشتاد درصد است. دانش پژوه باید هر ترم چند مقاله بنویسد. یک ترم در دوره دکترا، چهارده، پانزده یا بیست واحد نیست، بلکه هفت یا هشت واحد است، یعنی تمام توجه و محور کار، خود دانش پژوه است. از ابتدا هم یک استاد راهنما برای رساله دانشجوی مشخص می شود. برخی دانشگاهها هم دکترا را در مصاحبه به شرط موضوع پایان نامه و میزان سابقه کاری دانش پژوه می پذیرند. منطقی این است که می خواهند دانشجوی را به اصطلاح خودشان، مجتهد تربیت کنند. پس تعداد واحدها، کم و پژوهش محور است. در ضمن، دانش پژوه محور است. می رود و منابع را بررسی می کند. علاوه بر این سعی می شود که مقالات طول ترم در مسیر پایان نامه باشد. حالا حوزه را ببینید؛ ادبیات بیست نفرند، فقه و اصول، پنجاه نفر، مکاسب، صد نفر و درس خارج، هزار نفر. واقعاً کسی نیست بپرسد حضور پانصد یا هزار طلبه در درس خارج، چه دلیلی دارد؟ واقعاً درس خارج برای چیست؟ روش درس سخنرانی که الآن در حوزهها مطرح است، بدترین روش تدریس است. الآن بعضی از این هزار نفر بعد از بیست سال هم هنوز نمی دانند که برای چه آمده اند. الآن این مشکل در امتحانات درس خارج مطرح است، که شخص درس خارج می رود، ولی بلد نیست عبارت را درست بخواند، چون جایی از او این را نخواستند. همیشه استاد خودش درس را گفته و بر روی عبارت هم تطبیق داده و اصلاً مجال فکر کردن به طلبه نداده است. از این رو، مسلط نمی شود»^{۴۱}. این وضعیت ما را به یاد قرن ششم و کلاس درس فخر رازی می اندازد که "در حوزه درس او بیش از دو هزار (۲۰۰۰) تن دانشمند برای استفاده می نشستند حتی در موقع سواری نیز قریب ۳۰۰ تن از فقهاء و شاگردان برای استفاده در رکابش می رفتند"^{۴۲}.

در گذشته حوزه ما نیز شبیه این کلاس درسی برای صاحب کفایه نقل شده است: "مرحوم آخوند خراسانی یکی از بزرگان علمای شیعه بوده است و می شود گفت در دنیای شیعه مدرسی به خوبی مرحوم آخوند نیامده است. حوزه درس هزار و دویست نفری داشته است و شاید سیصد نفر مجتهد مسلم پای درس این مرد می نشستند"^{۴۳}

۴۰ - قرائتی، محسن، برنامه درسهایی از قرآن سال ۸۷، ص ۶، نرم افزار نور، مجموعه آثار قرائتی.

۴۱ - معلمی، حسن، درس خارج باید طلبه محور باشد نه استاد محور، گفتگو با میثم واحدی، رهنامه پژوهش، شماره ۸، تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۵-۱۶. و نیز:

شیرازی، سید رضا، ضرورت و ماهیت شناسی درس خارج و تقریرنویسی آن، مصباح الفقاهة، پیش شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۹۵.

۴۲ - زمانی قمشاهی، علی، هیئت و نجوم اسلامی، موسسه امام صادق علیه السلام - ایران - قم، چاپ: ۱، ۱۳۸۷ ه.ش، ج ۳، ص ۴۰۳

۴۳ - مجموعه آثار اشهد مطهری؛ ج ۲۱؛ ص ۱۱۳

اما این که این نوع تدریس و تعلیم و این گونه کلاس داری و شاگرد پروری، چه امتیازی دارد و یا از آن مهم تر چه نیازی بدان هست؛ خود مسأله ای است که با برخی از آموزه های حوزوی و اهداف اجتماعی آن هرگز نمی سازد! ۳۰۰ مجتهد مسلم در یک جا جمع شدن و آن هم به هدف استماع درس، چه اهمیتی دارد؟ چرا در ۳۰۰ شهر دیگر صد ها تن دیگر از علم و اجتهاد اینها استفاده نکنند؟ اصولا این نوع درس ها که از خطابه عمومی برای عوام در حالت عادی، فرقی ندارد، چه اثری داشته و یا خواهد داشت؟

آقای صفایی معتقد است: "درست است که با درس عمومی، دویست نفر استاد پیدا می کنند و یک درس را می خوانند، اما دویست نفر هیچ کدام ساخته نمی شوند و به آگاهی و بیداری نمی رسند. استاد باید با هر کدام از شاگردها در تماس باشد، حتی راه تأمین، راه ارتزاق آنها را با زرنگی به دست آورد و استعدادها و کسری های آنها را بشناسد و آنگاه به تربیت و تکمیل و تأمین آنها بپردازد. در این صورت باید به اندازه ای شاگرد انتخاب کنم، که بتوانم به آنها رسیدگی نمایم و از وضع آنها با خبر شوم؛ در نتیجه از مقدار و کمیّت کم می شود و بر کیفیت و چگونگی افزوده می گردد. در واقع از دویست نفر دانش آموز، بیش از بیست نفر استعداد وجود ندارد. در این موقعیّت حساس باید با این بیست نفر کار کرد و آنها را ساخت و بر سر کار گذاشت".^{۴۴} به راستی که تجربه علمی دانشگاه های دنیا نیز موید سخن آقای صفایی است و می بینیم که حد اکثر تعداد شاگردان در دوره دکتری دو نفر است (مثلا در دانشگاه تهران چنین است).

۲. افت علمی و عقب ماندگی:

افت علمی از این جهت که «بسیاری از درس های خارج کنونی از نظر عمق از درس های سطح، پایین تر است، متعلق آموزش در آن ارائه اقوال و پیچیدگی هایی است که در فقه یا اصول وجود دارد. اقوال بیشتری را گفتن، حرف های بیشتری را مطرح کردن، نکات فنی موجود در اقوال را بیشتر آموزش دادن... حتی برخی غیر از این هستند و متعلق آموزش در درس های ایشان ایضاً یا ارائه حکم فقهی مسأله است در حالی که همین حکمها در کتابها وجود دارد»^{۴۵}. عقب ماندگی نیز از این بابت که محصول علمی ندارد و طلبه پس از ده سال درس خارج رفتن، یک نوشته علمی کاربردی ناظر به موضوع و مسأله جدید، ندارد. «شما آقایان چرا پایان نامه نمی نویسید؟ یک نفر دانشجو، چهار سال، پنج سال دوره ای را می بینید؛ بعد موضوعی را به او می دهند؛ استاد او را راهنمایی می کند و یک رساله به وجود می آورد؛ خیلی هم خوب است. الآن اگر همین آقایان طلاب ما، بعد از آنکه پنج سال، شش سال، ده سال درس خارج رفتند، یک استاد راهنما بگیرند و یک موضوع فقهی به آنها بدهند و بگویند کار کنید، ببینید از همین طریق چقدر موضوع حل خواهد شد».^{۴۶}

تأسف بارتر از همه این است که کسانی به جای توجه به مشکلات و جست و جوی راه حلها به توجیه پرداخته و یا به اصطلاح، فرا فکنی می کنند مانند محکوم نمودن طلاب به تبلی و بی عرضگی و یا تشکیک در ایمان و اخلاص آنان که اجتهاد تفضل خاص خداست و ... گویا آن را با نبوت و امامت اشتباه گرفته باشند ... "شاید باشند کسانی که ده ها سال به درس خارج رفته اند ولی در پایان نتوانند اولیات مبانی فقهی را بر شمارند و خلاصه ای از اندوخته های خود را ارائه دهند، یا خود توان اجتهاد و اظهار نظر علمی را بیابند. این طبسها سبب شده که برخی گمان کنند، فقه الاحکام اصولا غیر از همه

^{۴۴} صفایی حائری، علی، روحانیت و حوزه: مشکلات و راهکارها، لیلۃ القدر - قم، چاپ: اول، ۱۳۹۱ ه.ش، صص ۱۹۰ - ۱۹۱

^{۴۵} - میغلی، احمد در مصاحبه با میثم واحدی، طلبه ها درس خارج را نمی شناسند، رهنامه پژوهش، شماره ۷، بهار ۱۳۹۰، صص ۱۴ - ۱۵.

^{۴۶} خامنه ای، سید علی، بیانات در جمع علما و مدرسان و فضلاء حوزه علمی قم (۳۰ / ۱۱ / ۱۳۷۰)، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی

فرجه).

علوم دنیاست، یعنی تا خدا نخواهد، کسی فقیه نمی‌شود! البته مشیت خدا در همه جا هست ولی ما نباید مشکلات پدید آمده از ناحیه تفکر و بینش خود را به مشیت الهی نسبت دهیم^{۴۷}

۳. تحصیل مادام العمر:

کم نیستند کسانی که شرکت در درس خارج را شغل و پیشه خود ساخته و جز آن حرفه و هنری هم ندارند و هیچ کار علمی، تبلیغی، فرهنگی، اقتصادی، مدیریتی و غیره هم ندارند که ندارند... «هزاران کار اجرایی در حوزه علمیه بلکه در جامعه بر زمین مانده است و نیاز به این همه تحصیل ندارد»^{۴۸}

۴. تمرکز بر بخشی از علوم دینی:

برنامه حوزه و درس‌های خارج تنها فقه و اصول است و [احیانا در کنار آن‌ها] مطالعات و تحقیقات فوق برنامه در زمینه عقائد - اخلاق - تفسیر - علوم قرآن - تاریخ - شعر و ادب - بررسی ادیان - شناخت مکاتب - رجال و شناخت رواه - درایه و شناخت حدیث - مسائل سیاسی - جدل و مناظره، آئین سخنوری، فن نگارش و کتاب‌نویسی - زبانهای خارجی - جامعه‌شناسی و... انجام می‌گیرد»^{۴۹}. جای تأسف است که قرآن و تفسیر و حدیث جایگاه بایسته و شایسته‌اش را در حوزه حیات نتوانسته و این امر مسلم و «مشهود است که درس‌های اصلی حوزه‌های علمیه فقه و اصول می‌باشد و درس‌هایی مانند کلام، تفسیر، علوم حدیث و... در عمل به عنوان دروس جنبی تلقی می‌شوند. هم چنین وظیفه اصلی طلبه تحصیل قلمداد می‌گردد و اموری مانند تبلیغ، اقامه جماعت و... اموری ثانوی به حساب می‌آیند»^{۵۰} اگر در این مورد مطابق آثار و تألیفاتی که از حوزویان به جا مانده است داوری کنیم و یا از تعداد و موضوع جلسات تدریسی که هریک برگزار کرده‌اند و می‌کنند آماری بگیریم مسلم می‌شود که کمتر از ۱۰٪ کار علمی آنان در قرآن و سنت بوده و هست [به استثنای نوادری نوابغ مانند علامه طباطبایی] و با تأسف که عالم فروع فقهی، عنوان عالم دین را گرفته و از دین نمایندگی می‌کند در حالی که دین تنها مسائل فرعی فقهی فردی نیست! ماحصل یک عمر تدریس و تدریس یک مجتهد نهایتاً یک رساله عملیه است و حال آن که «اسلام به عنوان نظامی جامع و دربردارنده همه عرصه‌های زندگی مطرح شود. به عنوان مثال در تصویر ذهنی ما از آینده باید تصور ما از رساله عملیه تغییر کند؛ رساله‌های عملیه امروزی، این احساس را القا می‌کند که اسلام یک نظام فردی است، درحالی‌که رساله‌های عملیه باید اسلام را به عنوان نظامی برای فرد و بازار و خانواده و جامعه و حکومت، جلوه بدهند»^{۵۱}. به قول آقای جناتی: «آن چه امروز در رساله‌های عملیه به چاپ می‌رسد و مباحثی که در دروس فقهی حوزه‌های علمیه - چه در سطح و چه در خارج - مورد تحلیل و بررسی قرار می‌گیرد و به عنوان فقه شناخته می‌شود همان فقه اصطلاحی در قبال فقه قرآنی است». ایشان توضیح می‌دهند که «اگر فقه اصطلاحی در کتاب طهارت و صلات و صوم و حج و... خلاصه شد به نحوی که مسائل اعتقادی و اجتماعی و حقوقی و سیاسی و حکومتی اسلام بیگانه با آن معرفی گردید، مانند سری است که از تن جدا شده

^{۴۷} جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه (جناتی)، صفحه: ۴۸۶، کیهان، تهران - ایران، ۱۳۷۴ ه.ش.

^{۴۸} - شیرازی، سید رضا، ضرورت و ماهیت شناسی درس خارج و تقریرنویسی آن، مصباح الفقه، پیش شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۹۵.

^{۴۹} - موحد ابطحی، حجت، آشنائی با حوزه های علمیه شیعه در طول تاریخ، حوزه علمیه اصفهان، اصفهان - ایران، ۱۳۶۵ ه.ش، ص ۲۹.

^{۵۰} - شیرازی، سید رضا، ضرورت و ماهیت شناسی درس خارج و تقریرنویسی آن، مصباح الفقه، پیش شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷، ص ۹۳.

^{۵۱} صدر، محمدباقر، بارقه‌ها، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، دار الصدر - قم - ایران، چاپ: ۱، ۱۳۹۳ ه.ش، صص ۴۳۵ - ۴۳۶.

باشد. و سری که از تن جدا باشد هرگز حیات نخواهد داشت و مجموعه کامل و پویا و متحرک و سازنده‌ای را تشکیل نخواهد داد.^{۵۲}

حوزه علمیه نجف و اشکالات تدریس

سید محسن امین (متوفی ۱۳۷۱هـ) در باره دروس حوزه علمیه نجف نوشته است [توجه! اصل کتاب، عربی است و ترجمه فارسی از نویسنده است]: تدریس این حوزه دو گونه است: اول تدریس سطوح، یعنی خواندن از روی کتاب که هر علمی کتاب درسی خاص خود را دارد. استاد عبارت کتاب را خوانده و برای طلبه شرح می‌دهد و چنانچه نظر خاص و اعتراضی داشته باشد بیان می‌کند و اگر شاگردان توانمندی بحث و ردّ نظر استاد را داشته باشند به بحث می‌پردازند. نخست نحو و صرف، بعد بیان و منطق، سپس اصول و فقه و برخی علم کلام الهی یا طبیعی و الهی را می‌خوانند.

دوم تدریس خارج از کتاب (بدون کتاب)، این درس در دو علم اصول و فقه برای رسیدن به درجه اجتهاد است. برای کسانی که خداوند توفیق‌شان داده است. استاد مسائل اصول فقه را یکی پس از دیگری طرح و اقوال و ادله علما را در آن ذکر می‌کند و با بررسی خودش یکی را اختیار کرده و با تصحیح دلیلش بر آن استدلال می‌نماید. طلاب به مناقشه ادله استاد پرداخته و استاد به آنان پاسخ می‌دهد... هم چنین در تدریس فقه؛ فرع فقهی را با اقوال علما و ادله‌شان از اخبار و غیر آن و اجماع آنان در مورد آن فرع را طرح می‌کند و مانند درس اصول، طلاب به مناقشه می‌پردازند... تا به باب دیگری برسند. این قسم بعد از فراغت از تدریس سطح است.^{۵۳}

ایشان در ادامه از نظام درسی نوشته و ۷ اشکال (خلل) را بر آن وارد می‌داند:

۱- فقدان مدیریت و مسؤل اجرا:

چون تطبیق برنامه مربوط به خود طلاب است؛ بسیاری از آنان [کثیر منہم] تقید به برنامه نداشته و بدون خواندن کتاب‌های متقدم (مقدماتی) کتاب‌های بالاتر از آن را شروع می‌کنند و پیش از یادگیری درست سطوح، درس خارج می‌روند. در نتیجه یا چیزی دستگیرش نمی‌شود یا چیز اندکی در مدت طولانی به دست می‌آورد.

۲- نبود استادان شایسته:

طلبه استادانی انتخاب می‌کنند و بدان‌ها مغرور می‌شوند که در رشته‌شان صلاحیت تدریس ندارند یا اصلاً صلاحیت تدریس ندارند. اما این مشکل کمتر از مشکل قبلی است. چون هم در تطبیق برنامه و هم در تعیین استاد، مسؤل و مدیری وجود ندارد و هم چنین امتحانی برای نظم بخشیدن و تطبیق برنامه وجود ندارد.

۳- بحث‌های بی‌سود و ثمر:

این مشکل در درس‌های خارج است. متاخرین عصر ما و پیشینیان‌شان، خود را روزها و ماه‌ها مشغول تحریر محل نزاع در تعریفات هستند. سخن از این که فلان تعریف جامع یا مانع نیست و اشکالاتی که از جهات دیگر بر تعریف وارد است...

۴- وارد کردن مسائل کلامی در علم اصول.

۵- فرضیه‌سازی و مسأله تراشی:

^{۵۲} جناتی، محمد ابراهیم، ادوار فقه (جناتی)، صفحه: ۴۷۳، کیهان، تهران - ایران، ۱۳۷۴ ه.ش.

^{۵۳} - امین، محسن، أعيان الشيعة، دار التعارف للمطبوعات، بيروت - لبنان، ۱۴۰۳ ه.ق، ج ۱۰، ص ۳۵۲.

طول و تفصیل مسائلی از علم اصول با بحث‌های فرضی بیهوده مانند دلیل انسداد و تعارض احوال و غیر آن‌ها بلکه در همه مسائل اصولی.

۶- بی‌اعتنایی به علم حدیث و تصحیح اسانید با اکتفا به آنچه گذشتگان کرده‌اند.

۷- ندانستن زبان عربی و ویژگی‌ها و دقایق آن، خصوصاً کسانی که غیر عرب‌اند.^{۵۴}

هر چند این نوشته و نقیصه‌ها از ۶۰ سال پیشتر این حوزه است؛ لیکن بی‌تردید، بسیاری از آن‌ها هم چنان الی یومنا هذا موجود است و بلکه بر آن‌ها افزوده هم شده است. و ما فعلاً مرجع دیگری در این بخش دسترس نداریم.

نقص‌های جدی در برنامه حوزه

جدا از بحث اشکالات و نواقص حوزه علمیه در زمان یا زمین خاص، اصولاً برنامه‌های معمول و مرسوم همه آموزشگاه‌ها و مدارس که با این نام در جامعه شیعی، شهرت دارد؛ پیرو و رهرو طریقه و برنامه‌ای به شدت مشابه است و قریب به همه آن‌ها در یک مسیر و مسلک، حرکت می‌کنند. اگر به طور سطحی و سریع نگاهی به این برنامه متبع مشترک داشته باشیم فهرست بالایی از اشکالات و مشکلات را می‌توان ارائه داد که به برخی از اهم آن‌ها اشاره می‌کنیم:

۱. بریدگی از مردم و بلکه عقب ماندگی از جامعه و واماندگی در کنج حجره‌ها و کناره مساجد. قرآن کریم هدف از

تفقه را انداز مردم می‌داند و بازگشت دانش آموختگان از حوزه‌ها در بین مردم در حالی که دیده می‌شود که فقیهان

به ثمره تفقه شان که رجوع به مردم باشد عمل نمی‌کنند و خود و فقاقت شان محجور حجره و محصور در مدرس

کوچک حوزه علمیه شان شده است و بس. بگذریم از این که در همین حد نیز تفقه و فقاقت شان ناقص است از

خیر انداز شان گذشته ای کاش تبلیغ شان تبلیغ دینی بود "خود این جمله دوم- «لِیُنذِرُوا»- نیز، وسعت موضوع تفقه

را می‌رساند؛ چون تنها بیان احکام، باعث انداز نیست. آخر در گفتن احکام وضو و تخلی و غسل و نماز و روزه چه

انذار و ترساندن هست؟! هیچ‌وقت مسأله‌گو مُنذر و مُبشّر نبوده، او تنها مبلغ است. آنچه باعث انذار است و وسیله

انذار است، همان معارف و اعتقادات است؛ همان شناخت‌ها و باورهاست.^{۵۵}

۲. فقر برنامه و دستور العمل جامع در اداره امور داخلی حوزه و در نگاه به آینده.

۳. طول مدت تحصیل و مشکل رشد سریع و صحیح^{۵۶} طلاب. و...

بر مسئولین اهل درک و درد است که با ارتقای علمی و ابتکار عملی، برنامه جدید، جامع و مناسب شرایط و نیاز روز طلبه و

جامعه‌شان را طرح نموده و با تطبیق تدریجی آن با قدیمی‌ها خداحافظی نموده و معذرتش را بپذیرند...

فهرست منابع:

۱. آقا نجفی قوچانی، سیاحت شرق، موسسه چاپ و انتشارات حدیث، چاپ دوم، تهران، ۱۳۷۵.

۲. امین، محسن، أعیان الشیعة، دار التعارف للمطبوعات، بیروت لبنان، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۱۰.

۳. پای درس خارج، فصلنامه شهر قانون، شماره سوم، پاییز ۱۳۹۱.

۴. جناتی، محمد ابراهیم، تطور اجتهاد در حوزه استنباط، امیر کبیر، تهران ایران، ۱۳۸۶ ه. ش.

۵۴- امین، محسن، أعیان الشیعة، دار التعارف للمطبوعات، بیروت - لبنان، ۱۴۰۳ ه. ق، ج ۱۰، صص ۳۵۲-۳۵۳.

۵۵ صفایی حائری، علی، روحانیت و حوزه: مشکلات و راهکارها، ۱ جلد، لیلة القدر - قم، چاپ: اول، ۱۳۹۱ ه. ش، صص ۲۰۸-۲۰۹.

۵۶ صفایی حائری، علی، روحانیت و حوزه: مشکلات و راهکارها، ۱ جلد، لیلة القدر - قم، چاپ: اول، ۱۳۹۱ ه. ش، ص ۸۰.

۵. حب الله، حیدر، الحوزة العلمية ومناهج الدراسات العليا، مطالعة عابرة في أساليب التعلّم والتعليم وقواعد الإدارة التعليمية، <https://hobbollah.com/articles>.
۶. خامنه‌ای، سید علی، بیانات در جمع علما و مدرسان و فضلاء حوزه‌ی علمیه‌ی قم (۱۳۷۰ / ۱۱ / ۳۰)، در خجسته سالروز میلاد حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه).
۷. دزفولی، مرتضی بن محمد امین انصاری، أحكام الخلل فی الصلاة، نشر کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، قم، چاپ اول، ۱۴۱۳ ه. ق.
۸. رحیمی، مجتبی، روش‌شناسی اجتهاد، دار الفکر، قم ایران، ۱۳۹۸ ه. ش.
۹. شیرازی، سید رضا، ضرورت و ماهیت‌شناسی درس خارج و تقریرنویسی آن، مصباح الفقاهة، پیش شماره دوم، بهار و تابستان ۱۳۹۷.
۱۰. صفایی حائری، علی، روحانیت و حوزه: مشکلات و راهکارها، لیلۃ القدر قم، چاپ: اول، ۱۳۹۱ ه. ش.
۱۱. صیمری، مفلح بن حسن (حسین)، غایة المرام فی شرح شرائع الإسلام، دار الهادی، بیروت لبنان، اول، ۱۴۲۰ ه. ق.
۱۲. عالم‌زاده، محمد نوری، ماهیت درس خارج، رهنامه پژوهش، بهار ۱۳۹۰، شماره ۷.
۱۳. فقیهی، علی‌اصغر، تاریخ مذهبی قم، بخش اول از تاریخ جامع قم، آستانه مقدسه قم، انتشارات زائر، قم ایران، ۱۳۷۸ ه. ش.
۱۴. قرائتی، محسن، برنامه درسهایی از قرآن سال ۸۷، ص ۶ نرم‌افزار نور، مجموعه آثار قرائتی.
۱۵. گیلانی، فومنی، محمد تقی بهجت، استفتاءات (بهجت)، ۴ جلد، دفتر حضرت آیه الله بهجت، قم ایران، اول، ۱۴۲۸ ه. ق.
۱۶. میغلی، احمد در مصاحبه با می‌ثم واحدی، طلبه‌ها درس خارج را نمی‌شناسند، رهنامه پژوهش (معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه)، شماره ۷، بهار ۱۳۹۰.
۱۷. محسنی، محمد آصف، نظریات سیاسی، علمی، اخلاقی و اجتماعی، [بی نا] - [بی جا] چاپ اول، [بی تا].
۱۸. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار (۳۰ جلدی) نشر صدرا، چاپ هشتم، قم.
۱۹. معلمی، حسن، درس خارج باید طلبه محور باشد نه استاد محور، گفتگو با می‌ثم واحدی، رهنامه پژوهش (معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه)، شماره ۸، تابستان ۱۳۹۰.
۲۰. موحد ابطحی، حجت، آشنائی با حوزه‌های علمیه شیعه در طول تاریخ، حوزه علمیه اصفهان، اصفهان ایران، ۱۳۶۵ ه. ش.
۲۱. هادی‌زاده، آسیب‌شناسی دروس خارج، مصاحبه با امیر غلامی، رهنامه پژوهش (معاونت پژوهش حوزه‌های علمیه)، شماره ۷.